

فصلنامه امنیت ملی
سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۸
مقاله هشتم از صفحه ۱۹۵ الی ۲۲۰

مقاله پژوهشی: فرایند مدیریت راهبردی تنگناهای امنیتی ایران و ترکیه با تأکید بر

منافع ملی

محمد جواد رضوانی^۱، رضا امیری مقدم^۲ و حسین سلیمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۵

چکیده

این پژوهش که برگرفته از رساله دکتری است نشان می‌دهد، ایران و ترکیه دو کشور اسلامی همسایه و مهم در منطقه، هم‌زمان دارای زمینه‌های رقابتی هستند. عوامل و متغیرهای زیادی در رقابت‌های امنیتی شکل گرفته میان ایران و ترکیه و تنگنای امنیتی ایجاد شده نقش دارند که می‌توان به عوامل و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی اشاره کرد. نظریات امنیتی نیز نشان می‌دهند کشورها در شرایط تنگنای امنیتی به صورت منطقی قادر به یافتن راه‌حل برای مقابله با عوارض ایجاد شده توسط سوء تفاهم‌ها و بی‌اعتمادی و کاهش عدم اطمینان نیستند و صرفاً با تکیه بر سطوحی که در آن با یکدیگر همکاری می‌کنند می‌توانند به وضعیت مدیریت برسند.

این پژوهش با روش آمیخته و تکیه بر نظرات خبرگان و تحلیل مضمون آن به دنبال آن است تا ضمن تبیین تنگناها و معمای امنیتی بین دو کشور و حفظ و ارتقاء روابط و همکاری‌ها، فرایندی برای مدیریت راهبردی تنگناهای امنیتی میان دو کشور مبتنی بر منافع ملی پیشنهاد نماید. نهایتاً مشخص گردید فرایند مذکور بایستی شامل شناخت و تبیین تنگنای امنیتی، یافتن جایگاه نقاط تنگناهای امنیتی در سیاست امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و به صورت کلان در محیط امنیتی دو کشور و منطقه، مشخص نمودن نقاط اشتراک، افتراق و عوامل کلیدی در هر یک از تنگناهای امنیتی میان ایران و ترکیه، احصاء دقیق منافع ملی جمهوری اسلامی در تنگناهای امنیتی با ترکیه و تصمیم‌گیری و مشخص نمودن راه‌کارهای مدیریت تنگناهای امنیتی باشد.

کلیدواژه‌ها: تنگنای امنیتی، منافع ملی، مدیریت راهبردی، سیاست امنیتی

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) - Mj.ramezani@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی

۳. رئیس دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه:

ترکیه در دوره حاکمیت سکولارها به دنبال عضویت در اتحادیه اروپا بود و تمرکز سیاست خارجی و سیاست امنیتی خود را در همکاری با اتحادیه اروپا می‌دانست. با روی کار آمدن اسلام‌گرایان و حزب عدالت و توسعه و پس از بازسازی اقتصادی این کشور، رویکرد خود نسبت به اتحادیه اروپا را تغییر داد و در صدد احیای جایگاه خود در غرب آسیا برآمد. این کشور همزمان نیز به ایفای نقش در آسیای میانه پرداخته و رؤیای احیای امپراتوری عثمانی را دنبال می‌نماید. طی سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از تحولات ناشی از بحران تروریستی در سوریه و عراق، رقابت‌های منطقه‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه تشدید شده است.

ضرورت درک پیچیدگی، گستردگی و تنوع متغیرها و تأثیرات آن‌ها در روابط میان ایران و ترکیه؛ لزوم تأمین شرایط و زیرساخت‌های روابط؛ لزوم پیوستگی مناطق مرزی با مرکز و لزوم حمایت و پشتیبانی‌های ویژه از این مناطق جهت خروج از محدودیت و دستیابی به توسعه به لحاظ رفع تهدیدات امنیت ملی مواردی هستند که در برنامه‌ریزی برای ارتقاء منافع امنیت ملی مواردی که تنگنای امنیتی وجود دارد، بایستی مدنظر قرار گیرند. چراکه راهبردهای امنیت ملی جز در انسجام و یکپارچگی تلاش برای بهینه‌سازی و آزادی عمل و نفی یکپارچه تهدید دولت‌ها و تسلط آنان بر امور داخلی و خارجی به‌منظور دستیابی به اهداف ملی قابل دسترس نیست. بدین جهت با توجه به ظرفیت‌های گسترده مستتر در موضوع بایستی این قبیل موضوعات علاوه بر اینکه مورد بررسی دقیق قرار گیرند در دوره‌های زمانی میان‌مدت نیز با همین سؤالات و اهداف مجدداً تکرار شوند.

ایران و ترکیه دو کشور اسلامی همسایه و مهم در منطقه هستند و تلاش دارند کشور خود را با روش اسلامی اداره کنند. لذا روابط و مناسبات گسترده‌ای در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی با یکدیگر دارند. هم‌زمان دو کشور در سطح منطقه دارای زمینه‌های رقابتی هستند. عوامل و متغیرهای زیادی در رقابت‌های امنیتی شکل گرفته میان ایران و ترکیه و تنگنای امنیتی ایجاد شده نقش دارند که می‌توان به عوامل و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی اشاره کرد. عوامل و متغیرهای زیادی در رقابت‌های امنیتی شکل گرفته میان ایران و ترکیه و تنگنای امنیتی ایجاد شده نقش دارند که می‌توان به عوامل و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی اشاره کرد. در روابط ایران و ترکیه به لحاظ تضاد منافع ملی در برخی جنبه‌ها، تهدیدها و فرصت‌های مختلفی پدید آمده است از جمله مسئله روابط با رژیم صهیونیستی، قومیت،

گروه‌های معارض، مسئله کردی، نوع رویکرد در سیاست خارجی و حضور امنیتی و نظامی منطقه‌ای در عراق و سوریه که هر یک از این مؤلفه‌ها اصطلاحاً دارای وجوه تنگنای امنیتی نیز می‌باشند. از سوی دیگر نمی‌توان با توجه به منافع ملی اجازه داد که روابط دو کشور رو به تنش برود. لذا باید الگویی طراحی شود که این تنش‌ها را مدیریت نماید. مدیریت نمودن این تنگنای امنیتی کمک خواهد کرد که منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش استحصال گردیده، از بی‌سامانی و یا تعارض در مدیریت راهبردی پرهیز شود و هزینه‌های متوجه امنیت ملی نیز کاهش یابد. نظریات امنیتی نیز نشان می‌دهند کشورها در شرایط تنگنای امنیتی به صورت منطقی قادر به یافتن راه‌حل برای مقابله با عوارض ایجاد شده توسط سوء تفاهم‌ها و بی‌اعتمادی و کاهش عدم اطمینان نیستند و صرفاً با تکیه بر سطوحی که در آن با یکدیگر همکاری می‌کنند می‌توانند به وضعیت مدیریت برسند.

مدیریت نمودن این تنگنای امنیتی کمک خواهد کرد که منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش استحصال گردیده، از بی‌سامانی و یا تعارض در مدیریت راهبردی پرهیز شود و هزینه‌های متوجه امنیت ملی نیز کاهش یابد. لذا مسئله محقق در این مقاله این است که تلاش نماید تا ضمن تبیین تنگنا و معمای امنیتی بین دو کشور و حفظ و ارتقاء روابط و همکاری‌ها، فرایندی برای مدیریت راهبردی تنگنای امنیتی میان دو کشور مبتنی بر منافع ملی پیشنهاد نماید. اهمیت این تحقیق از این جهت است که توصیه به ایجاد رویه مناسب در ایجاد ثبات قابل اتکاء در تصمیم‌سازی امنیت ملی می‌نماید که به فرایند مثبت امنیت‌یابی در ماتریس‌های مولد قدرت بینجامد و امر امنیت ملی را از ضعف و تشتت، به سوی مدیریت جامع علمی و نهادمند سوق دهد.

در مجموع اهمیت این تحقیق از این رو است که:

الف- آینده تحولات امنیتی در سطح راهبردی در مناسبات میان ایران و ترکیه را برای ما نمایان می‌کند.

ب- در پرتو آگاهی بر این تحولات می‌توان حوزه‌های تعارضات امنیتی در سطح منافع ملی را میان ایران و ترکیه رصد نمود که راهبرد مناسب در مدیریت این تحولات را به ما نشان خواهد داد.

ج- انجام این تحقیق می‌تواند زمینه ارتقاء و تعمیق عملکرد دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را در برخورد با تحولات افزایش دهد.

د- بررسی تحولات ترکیه باب جدیدی از مطالعات منطقه‌ای را به روی ما می‌گشاید. کشور ترکیه طی سال‌های اخیر دستخوش تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های سیاسی و امنیتی بوده است که اندیشمندان مطالعات روابط بین‌الملل سخت محتاج شناخت ماهیت این تحولات هستند. ضرورت تحقیق: الف- مرزهای غربی کشور تحت تأثیر مستقیم نقش ترکیه و بازیگری آن در عراق و سوریه و مسئله تروریسم و مسئله کردی است و افزایش تهدیدات ناشی از تقویت گرایش‌های پان‌ترکیسم و نوعثمانی‌گرایی محتمل است.

ب- طرح‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای برای مدیریت بحران تروریسم در منطقه و اختصاص سرزمین و هویت ارضی به آن در دست پیگیری است که ضروری است طراحی‌های لازم مبتنی بر امنیت ملی توسط جمهوری اسلامی ایران نیز برای ارتقاء منافعش مورد تدوین قرار گیرد.

ج- ترکیه از جمله کشورهایی است که در منطقه ژئوپلیتیک غرب آسیا و اوراسیا به شدت مورد طمع و نفوذ رقبای منطقه‌ای نظیر عربستان و از سوی دیگر مورد نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی قرار گرفته که در صورت عدم توجه به تحولات امنیتی و راهبردهای حفظ و حداکثرسازی منافع ملی در این کشور و غفلت از این موضوع می‌تواند پیامدهای امنیتی ناخوشایندی را به دنبال داشته باشد.

د- امکان گسترده شدن تعارضات امنیتی و لاینحل ماندن معمای امنیتی حاصل از حضور ایران و ترکیه در کشورهای عراق و سوریه وجود دارد که این امر در درازمدت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را با خطر مواجه می‌سازد.

امنیت ملی: در ساده‌ترین تعریف، امنیت ملی عبارت است از اساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های بنیادین خود و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی و حیاتی کشور (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۱). در تعریفی دیگر امنیت ملی عبارت است از توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌هایی که حیاتی می‌داند، به عبارت دیگر یک کشور در جهت تأمین و صیانت از موجودیت فیزیکی، زیستی و معیشتی فرهنگی و ارزشی مردم، سرزمین و نظام سیاسی و ارتقاء و بهینه‌سازی آن و تعقیب و نیل به اهداف و منافع ملی در دوران جنگ و صلح در قبال تهدیدات داخلی و خارجی (لک زایی، ۱۳۸۹: ۱۲).

اهمیت امنیت ملی به حدی است که اکثر علمای علم سیاست و روابط بین‌الملل بر این باورند که برای تحقق این منظور فلسفه وجودی دولت یا فلسفه تشکیل دولت مورد توجه قرار گرفته و

تأسیس دولت را علی‌رغم تمامی قیودی که بر پای آزادی‌های فردی ایجاد می‌کند، برای پاسداری از حریم امنیت لازم دانسته و ضرورت آن را قبول کرده‌اند (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶).

رابرت ماندل نیز چنین می‌گوید: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۲).

مدیریت راهبردی: دانش مدیریت راهبردی با رویکرد اخیر علم و هنر اتخاذ تصمیماتی است که منجر به توفیق، ادامه حیات یا مرگ مؤسسه می‌شود (گلوئیک، ویلیام و لارنس آر. جاج، ۱۳۷۴) و سازمان را به محیط مربوط می‌سازد، فعالیت‌های داخلی را هدایت و عملکرد بلندمدت سازمان را تعیین می‌کند (حسن بیگی، ۱۳۹۰). مدیریت راهبردی شامل مشخص کردن مأموریت‌ها و اهداف سازمانی، تحلیل محیط بیرونی و درونی، تدوین راهبرد مطلوب برای سازمان، ایجاد ساختار سازمانی متناسب با راهبرد تدوین شده و برقراری سامانه کنترل و مکانیسم ارزیابی مناسب است. (هیل، ۱۹۹۲) در تعریفی دیگر مدیریت راهبردی فرایندی است که از طریق آن همه منابع و وظایف سازمانی به منظور پیاده‌سازی راهبردهای تدوین شده یکپارچه و هماهنگ می‌شوند (Ehlers and Lazeny, ۲۰۰۴: ۱). ساموئل نیز مدیریت راهبردی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مدیریت استراتژیک هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات وظیفه‌ای چندگانه است که سازمان را قادر می‌سازد به هدف‌های بلندمدت خود دست یابد. همچنین مدیریت استراتژیک به‌عنوان فرآیندی مداوم و تکراری که در جهت حفظ تناسب تمامی سازمان با محیط اطراف آن هدف‌گیری شده است؛ می‌باشد» (Samuel & Paul, ۱۹۹۰, P.۵).

تعریف عملیاتی منتخب در این مقاله برای مدیریت راهبردی عبارت است از: مجموعه تصمیمات و فعالیت‌های مدیریتی که مسئولان و کارگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در سطوح راهبردی، به‌منظور تحقق رسالت و اجرای مأموریت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و صیانت از منافع ملی به انجام می‌رسانند. در این تعریف مدیریت راهبردی ناظر به ماهیت است نه فرایند.

تنگنای امنیت: جان هر تس، پایه‌گذار این ایده می‌گوید: «این مفهوم باوری ساختاری است که در آن، تلاش کشورها برای تقویت امنیت‌شان، اقدامی دفاعی و در مقابل، اقدامات مشابه دیگر کشورها بالقوه تهدیدآمیز تلقی می‌شود» (Hertz, ۱۹۹۰).

۲۰۰ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۸

تنگنای امنیتی^۱ وضعیتی است که در آن تلاش‌های هر دولت برای افزایش امنیت به شکل تناقض‌آمیزی موجب کاهش امنیت دولت دیگر خواهد شد. در این وضعیت، هر دو بازیگر با آنکه ممکن است قصد تهدید طرف مقابل را نیز نداشته باشند، خود را در کلافی از خصومت در حال افزایش گرفتار می‌یابند. تنگنای امنیت در این معنا به مفهوم معمای امنیت مطرح شده است. در این میان شدت تنگنای امنیت به عواملی چون میزان اعتماد، میزان عدم قطعیت و راهکار تجهیزات نظامی (تدافعی است تا تهاجمی) بستگی دارد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۶۹).

تنگنای امنیت به مفهوم معضل امنیت^۲ نیز مطرح شده است که وضعیتی است که در مطالعات انتقادی امنیت موجب شده تا روند توسعه به شکل متناقضی امنیت فرد و جامعه را تحت تأثیر منفی قرار دهد (Duffield, ۲۰۱۰: ۶۰). از آنجا که ابتدای هر سیستم امنیتی موجب ایجاد برخی محدودیت‌ها می‌شود، می‌تواند از سوی سایر سیستم‌ها به عنوان تهدید تلقی شود که نظام اجتماعی اصلی‌ترین بستر شکل‌گیری واکنش است. به عنوان مثال رقابت در توسعه امنیت در جنگ سرد موجب شکل‌گیری تهدیدات بسیاری در نظام اجتماعی و اقتصادی گردید که نهایتاً این امنیت موجب نقض امنیت و فروپاشی روسیه شد. گسترده‌ترین مطالعات در موضوع تنگنای امنیت مرتبط با رابطه میان سیاست داخلی و سیاست خارجی از حیث امنیت است که مفهوم تنگنا، بن‌بست^۳ و معضل امنیتی را در ادبیات انتقادی امنیت وارد نموده است (Fox, ۱۹۹۹; Macrae, ۱۹۹۸; Stockton, ۱۹۹۸; Bradbury, ۱۹۹۸; Sida, ۲۰۰۵; Weir, ۲۰۰۶).

بخش دیگری از مطالعات مرتبط با تنگناهای امنیت در حوزه تأمین منافع امنیتی است که عمدتاً توسط مؤسسات وابسته به وزارت خارجه و یا دیپلماسی عمومی صورت گرفته است. در این مطالعات به بررسی نحوه بازخورد و تأمین منافع ایالات متحده از طریق کمک‌های خارجی پرداخته شده است و این نکته گزارش شده است که در مواقعی کمک‌های خارجی به دولت‌ها به شکل متناقضی موجب شکل‌گیری تهدید علیه منافع آمریکا شده است. در این مطالعه به موضوع حملات خارجی آمریکا نیز اشاره شده است که طی آن حصول امنیت از طریق به‌کارگیری حمله نظامی موجب رفع تهدید و تأمین منافع نشده و بلکه تهدیدی جدید علیه امنیت ایالات متحده را نیز شامل شده است (Macrae & Leader, ۲۰۰۰: ۳۰۹-۳۱۷). تحقیقات مشابهی نیز در خصوص کمک‌های

۱- Security dilemma

۲- Security Impasse

۳- Security bottlenecks

◆ مقاله پژوهشی: فرایند مدیریت راهبردی تنگناهای امنیتی ایران و ترکیه با تأکید بر منافع ملی ♦ ۲۰۱

مالی و سیاسی سازمان ملل برای ایجاد امنیت در مناطق بحرانی صورت گرفته است که نتایج آن نشان می‌دهد این کمک‌ها موفق به استقرار امنیت نشده‌اند و در مواردی نزاع‌ها را گسترش داده‌اند (Duffield, ۲۰۱۰: ۵۹). نظریه دوفیلد نشان داد که رویکردهایی که برای ایجاد امنیت در مناطق بحرانی از سوی سازمان ملل دنبال شده، در خدمت اهداف نئولیبرال‌ها به عنوان یک دستور کار سیاسی قرار داشته و در نتیجه مقوله توسعه خود تبدیل به بحران شده است (Hynek and Chandler, ۲۰۱۳: ۵۴). مفهوم مدنظر در این مقاله از تنگنای امنیت «وضعیتی است که در آن تلاش‌های هر دولت برای افزایش امنیت به شکل تناقض‌آمیزی موجب کاهش امنیت دولت دیگر خواهد شد»

جرویس معتقد است رفع و حذف تنگنای امنیت غیر ممکن است اما می‌توان آن را کاهش داد. راه‌حل ایده آل برای قدرت‌پرداز حفظ وضع موجود فرار از وضع طبیعی است، اما این امر غیرممکن است. تنگنای امنیت را نمی‌توان از میان برداشت، اما آن را می‌توان تقلیل داد (Jervis, ۱۹۷۸: ۱۶۷). تنگنای امنیت در دو وضعیت دفاع-امنیت و قدرت-امنیت ایجاد می‌شوند که وضعیت دفاع-امنیت بیشتر مربوط به حوزه نظامی است، اما وضعیت قدرت-امنیت به عقیده بوزان تلاش برای کسب قدرت است که بر تنش مداوم بین قدرت‌های طالب حفظ وضع موجود و تجدیدنظرطلب تأکید و آن را ویژگی ثابت هرج و مرج بین‌المللی می‌داند (Buzan and Waver, ۲۰۰۳).

هدف تحقیق: تعیین فرایند مدیریت راهبردی تنگناهای امنیتی ایران و ترکیه
سؤال تحقیق: فرایند مدیریت راهبردی تنگناهای امنیتی ایران و ترکیه چیست؟

روش تحقیق:

این تحقیق با رویکرد آمیخته انجام شده است. نخست به منظور مرور تجارب از روش کتابخانه‌ای (شامل کتاب و اسناد و مدارک و استفاده از منابع دیداری و شنیداری مستند)، استفاده شد. ثانیاً برای بررسی وضعیت موجود از الگوی تحلیل محیطی، پیمایش و تحلیل داده‌های ثانویه استفاده گردید و ثالثاً به منظور سنجش فرایند نهایی از روش مصاحبه عمیق با نخبگان استفاده شد. در مجموع ۱۴ مصاحبه با خبرگان داخلی و خارجی که شامل کارشناسان و نخبگان و صاحب‌نظران متخصص در زمینه سیاست خارجی و مسائل امنیتی و آشنا با مسائل ترکیه که دارای تحصیلات تکمیلی و سوابق اجرایی و مدیریتی و پژوهشی هستند، صورت گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از طریق روش تحلیل مضمون انجام گرفت که روشی مطمئن و علمی برای استخراج مضامین و گزاره‌های اصلی مصاحبه‌ها، تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌ها) موجود درون داده‌ها است. با استفاده از نرم‌افزار *MaxQDA* کدگذاری توصیف انجام شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و تحلیل‌های متنوع را به داده‌هایی منسجم و تفصیلی تبدیل می‌کند.

جدول ۱: فرایند تحلیل مضمون

مرحله	گام	اقدام
اول: تجزیه و توصیف متن	۱. آشنا شدن با متن	<ul style="list-style-type: none"> • مکتوب کردن داده‌ها (در صورت لزوم) • مطالعه‌ی اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها • نوشتن ایده‌های اولیه
	۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	<ul style="list-style-type: none"> • پیشنهاد چهارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین • تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر • کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳. جستجو و شناخت مضامین	<ul style="list-style-type: none"> • تطبیق دادن کدها با قالب مضامین • استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته متن • پالایش و بازبینی مضامین
دوم: تشریح و تفسیر متن	۴. ترسیم شبکه مضامین	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج • مرتب کردن مضامین • انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر • ترسیم نقشه‌های مضامین • اصلاح و تأیید شبکه‌های مضامین
	۵. تحلیل شبکه مضامین	<ul style="list-style-type: none"> • تعریف و نام‌گذاری مضامین • توصیف و توضیح شبکه مضامین
سوم: ترکیب و ادغام متن	۶. تدوین گزارش	<ul style="list-style-type: none"> • تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن • استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها • مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری • نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

یافته‌های تحقیق:

با توجه به سؤال مطرح شده، مبتنی بر روش تحلیل مضمون از میان مجموعه مصاحبه‌های اخذ شده مطابق فرایند توضیح داده شده، مهم‌ترین موضوعاتی که در تنگناهای امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه - فارغ از بررسی قطعیت وجود آن- مطرح است به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به تنوع روش‌های به کار رفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. در این پژوهش از تقسیم‌بندی مضامین به پایه، سازمان دهنده و فراگیر استفاده شده است که مضامین فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد. مضامین سازمان‌دهنده واسط مضامین فراگیر و پایه شبکه است و مضامین پایه نیز مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان دهنده ایجاد می‌شود. لذا هر یک از مصاحبه‌های عمیق انجام شده در این پژوهش با روش تحلیل مضمون به این دسته مضامین تقسیم‌بندی شده‌اند.

۱. کدگذاری توصیفی (کدهای پایه)

۲. کدگذاری تفسیری (کدهای سازمان‌دهنده)

۳. کدگذاری فراگیر و یکپارچه‌ساز (کدهای فراگیر)

هر یک از رویکردهای احصاء شده دارای شبکه‌ای از مضامین است که در مرحله اول با مراجعه به متن مصاحبه‌های انجام شده، کدگذاری توصیفی به صورت دستی انجام شد. بیشتر کدهای توصیفی، برای استخراج الگوی مدیریت راهبردی نیز قابل بیان می‌باشند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

در مرحله دوم تحلیل مضمون که کدگذاری تفسیری است، کدها باید معطوف به تنگناهای امنیتی و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه تعیین شوند. کدگذاری‌های تفسیری نیز در همان چارچوب تحلیل مضمون، می‌بایست به دنبال اکتشاف راهبردها از کدهای توصیفی باشند که این مسئله، یک امر ذهنی و خلاقانه را از پژوهشگر طلب می‌کند.

در مرحله سوم تحلیل مضمون نیز که کدگذاری یکپارچه‌ساز و فراگیر است، مضامین تفسیری به صورت مقایسه تطبیقی مستمر میان کدهای سازمان‌دهنده، به کدهای فراگیری دست یافتیم که از آن‌ها می‌توان به راهبردهای کلان این پژوهش نیز نام برد.

جدول شماره ۲ تحلیل مضمون

کدهای فراگیر و یکپارچه ساز	کدهای تفسیری (سازمان دهنده)	میزان تکرار	کدهای توصیفی (پایه)
شناخت و تبیین تنگنای امنیتی	چیستی تنگنای امنیتی	۹	مبانی نظری سیاست خارجی
		۹	مبانی مناسبات دوجانبه خارجی
		۴	ملازمه بین منافع ملی و منافع منطقه‌ای
		۳	اشتراک منافع ملی خود و کشور همسایه
		۵	نقش دولت‌ها در فهم تنگنای امنیتی
		۴	نقش مهم حاکمیت در شناخت موضوعات تنگنای امنیتی
		۳	ضرورت آشنایی با واقعیت‌ها و ظرفیت‌های کشور همسایه و تعارض منافع
		۶	وابستگی و نیازهای متقابل کشورهای همسایه
		۲	لزوم به‌روزرسانی و تطبیق تصمیمات و راهبردهای کلان نسبت به کشور همسایه در شرایط تعارض منافع
		۳	عدم آشنایی برخی دستگاه‌های اجرائی با شرایط تعارض منافع و تنگنای امنیتی
	۳	عدم ارائه نمونه‌های واقعی و موفق حل معماهای امنیتی	
	۲	نبود سیاست روشن و مشخص در نوع جهت‌گیری کلان و تاکتیکی در قبال کشور همسایه در حوزه‌های مختلف	
	چرایی تنگنای امنیتی	۵	عدم برداشت یکسان از منافع ملی در میان دستگاه‌های مختلف متولی عرصه سیاست خارجی
		۲	ملازمه بین ایدئولوژی و سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران و عدم وجود آن در طرف مقابل
		۲	فراگیری عرصه تنگنای امنیتی در حوزه سیاست خارجی، امنیتی، اقتصادی
		۲	عدم تقلیل تنگنای امنیتی به مسائل ساده
		۴	تنگنای امنیتی صرفاً در معادلات دوجانبه قابل حل و رفع نیست
		۲	وجود نگاه حداقلی در سیاست خارجی نسبت ترکیه و ظرفیت‌های آن
		۴	عدم استفاده مناسب از جایگاه و ظرفیت منطقه‌ای کشور در حل تنگنای امنیتی
		۲	عدم توجه به موضوعات ریشه‌ای در تخریب و اصلاح روابط دوجانبه
۶		شناخت و اشراف نسبت به بازیگران پنهان و دیگر ذینفعان در تنگنای امنیتی	
۳		تنگنای امنیتی حاصل تضاد و تضارب قدرت‌ها، آسیب‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات است	
۲	سوءاستفاده کردن از قدرت و عدم بهره‌مندی از فرصت‌ها به نفع منافع ملی توسط برخی اشخاص و دستگاه‌ها در روابط دوجانبه		

تصمیم‌گیری و مشخص نمودن راهکارهای مدیریت تنگناهای امنیتی	تعیین سازوکارهای حل و رفع تنگناهای امنیتی	۴	ضرورت اصلاح ساختار شبکه‌های تعاملی و ارتباطی میان دو کشور متناسب با اهداف راهبردی
		۵	لزوم اقناع مردم، رسانه‌ها و مسئولان در مسیر حل تنگناهای امنیتی
		۲	شمولیت عام منافع ملی و تعیین مصادیق تحقق آن در بستر حل تنگناهای امنیتی
		۴	تبیین و ترویج اندیشه وحدت، همگرایی و تقویت کشورهای اسلامی و جایگاه آن در کشورها
		۲	اهمیت به مخاطبان و تفاوت آن‌ها در کشورها حریف و موضوعیت زیربنایی داشتن آن‌ها
		۳	تعیین مسیرهای ارتباطی مستقیم و خط دو برای رفع سوء برداشت‌ها و سوء تفاهم‌ها از مواضع رسمی و غیررسمی دولتمردان
		۵	تعریف و تعیین منافع مشترک و الگوهای همکاری
	تعیین چارچوب مناسب مدیریت تنگناهای امنیتی	۸	متغیر بودن شیوه تعامل و مدیریت تنگناهای امنیتی و عدم امکان تجویز الگوی مشخص
		۴	تعریف شروط لازم کافی برای تحقق منافع ملی (سطح حداقلی و حداکثری برای مذاکره و تعامل)
		۴	توجه به زمان و موقعیت در مدیریت تنگناهای امنیتی
		۲	تغافل و عدم حساسیت نسبت به برخی خطاها و اشتباهات طرف مقابل که ممکن است موجب تعمیق سوء تفاهم و یا تنگناهای امنیتی شود
		۳	توجه به چارچوب زمانی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در مدیریت تنگناهای امنیتی
		۵	بهره‌مندی از منابع موجود
		۴	خلق فرصت‌ها و ظرفیت‌های جدید برای داشتن ابتکار عمل و دست برتر نسبت به حریف
		۲	تبیین شیوه‌ها و روش‌های مناسب حل سوء تفاهمات متناسب با مقتضیات و متغیرهای محیطی
تعیین قالب و روش مدیریت تنگناهای امنیتی	۲	تمرکز مشاغل و پست‌های حساس در حوزه مناسبات دوجانبه در دست افراد شایسته	
	۳	تناسب سیستم و ساختار سیاست خارجی با قابلیت‌های نوین ارتباطی و مناسبات منطقه‌ای	
	۱	توجه به چندبعدی بودن تنگناهای امنیتی	
	۱	تداوم و پویایی مدیریت تنگناهای امنیتی متناسب با تحولات	
	۲	تبیین لزوم و مشروعیت نهاد سیاست خارجی در مدیریت تنگناهای امنیتی	
	۳	ضرورت برخورد قاطعانه پس از اتمام حجت با موارد تشدیدکننده تنگناهای امنیتی و یا تضعیف‌کننده منافع ملی	
	۱	تعیین سازوکار وضع قانون از سوی نهادهای حاکمیتی در تعامل با همسایگان	
احصاء دقیق منافع ملی جمهوری	قانون‌گذاری برای مدیریت تنگناهای امنیتی	۲	تبیین لزوم و مشروعیت نهاد سیاست خارجی در مدیریت تنگناهای امنیتی
		۳	ضرورت برخورد قاطعانه پس از اتمام حجت با موارد تشدیدکننده تنگناهای امنیتی و یا تضعیف‌کننده منافع ملی
		۱	تعیین سازوکار وضع قانون از سوی نهادهای حاکمیتی در تعامل با همسایگان

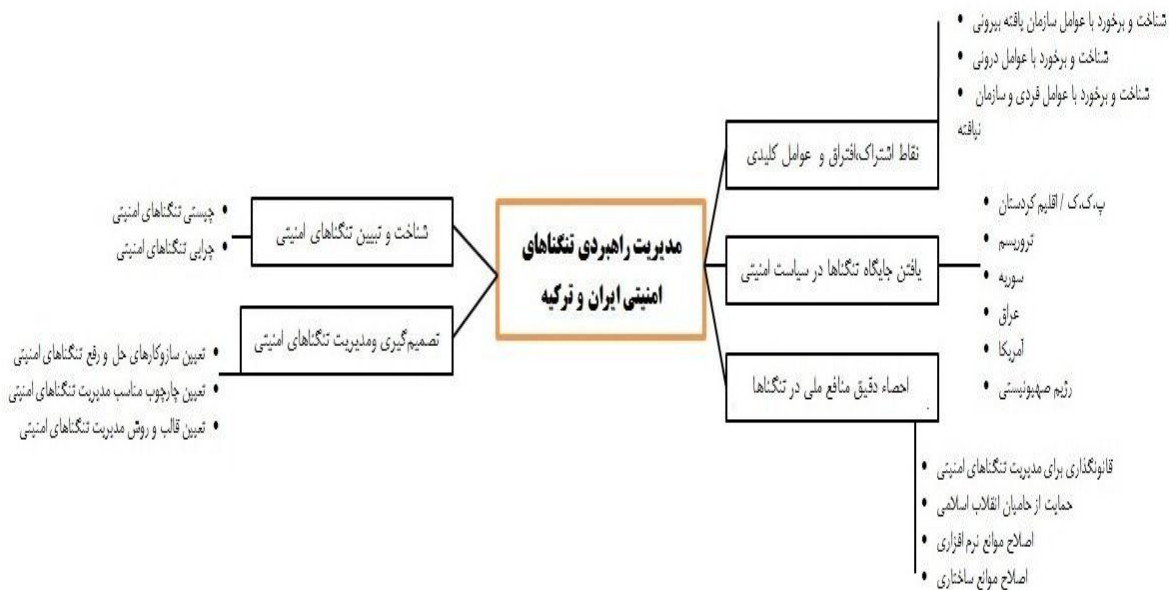
اسلامی در تنگناهای امنیتی با ترکیه		۳	جایگزینی قوانین و شیوه‌های اسلامی (به‌ویژه تا زمان بقای حفظ عدالت و توسعه) با الگوی تعامل سنتی (مبتنی بر مکاتب امنیتی کلاسیک) در تعاملات دوجانبه
		۴	ظرفیت‌سازی برای دستیابی به منابع قانونی پیاده‌سازی راهبردهای مدیریت تنگناهای امنیتی
		۵	توجه به تأمین منافع ملی در نظام برنامه‌ریزی در سیاست خارجی
		۲	پیش‌بینی سازوکار تحقق مدیریت تنگناهای امنیتی در برنامه‌های ۵ ساله توسعه
		۵	اصلاح دیدگاه مسئولین و دولتمردان در حوزه منافع ملی، تنگناهای امنیتی و شیوه‌های مدیریت آن
		۲	نرم‌افزاری بودن شیوه مدیریت تنگناهای امنیتی مبتنی بر توانمندی‌های سخت و نیمه-سخت
		حمایت از حامیان انقلاب اسلامی در ترکیه	
۵	نقش محوری گروه‌های دینی، اقتصادی و اجتماعی در پیشبرد مقاصد سیاست خارجی در ترکیه		
۴	جلب همکاری نخبگان، هنرمندان و گروه‌های مختلف کشور هدف در مسیر تأمین منافع ملی		
اصلاح موانع ساختاری		۲	مشخص شدن وظایف و حدود دستگاه‌های مختلف در پیگیری مسیر سیاست خارجی و تحقق منافع ملی در ترکیه
		۳	مشخص شدن دقیق وظایف سازمان‌های متولی دیپلماسی عمومی در ترکیه
		۲	زمینه‌سازی رشد و تقویت احزاب و گروه‌های همسو با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در ترکیه
اصلاح موانع نرم‌افزاری		۴	تبیین صحیح از ارزش‌های مشترک میان دو کشور
		۱	احیای مراکز مستقل و جدید در شناسایی الگوهای تصمیم‌گیری، فکری و ساختاری امنیتی در ترکیه
		۳	خارج شدن از روحیه کار شکلی، بروکراسی و نمایشی در پیگیری تحقق منافع ملی و حل تنگناهای امنیتی
مشخص نمودن نقاط اشتراک، افتراق و عوامل کلیدی در هر یک از	شناخت و برخورد با عوامل سازمان‌یافته بیرونی	۵	تداوم سیاست خصمانه آمریکا و عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران و کارشکنی در مسیر همکاری ایران و ترکیه
		۵	هجمه شدید غرب و ارتجاع منطقه به سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
		۵	گسترش تحریم‌های اقتصادی به حوزه همکاری تجاری و اقتصادی دوجانبه
		۲	امکان بروز متغیرهای شگفتی‌ساز (طبیعی و یا برنامه‌ریزی شده) و متأثر کردن مسیر مدیریت تنگناهای امنیتی

تنگناهای امنیتی میان ایران و ترکیه		۳	رشد جریان تروریسم در مرزهای مشترک و ایجاد ناامنی
		۴	لزوم اشراف بر برنامه‌های سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه برای ایجاد اختلاف میان دو کشور
		۳	برنامه‌ریزی کشورهای فرامنطقه‌ای برای استفاده از تنگناهای امنیتی ایران و ترکیه به نفع خود
	شناخت و برخورد با عوامل درونی	۲	گروه‌های با انگیزه قومی و ضدامنیتی که ارزش‌های حاکمیت اسلامی را تهدید می‌کنند
		۳	راهاندازی جنگ رسانه‌ای و یا توهین رسانه‌ها به مقامات عالی کشور ترکیه
	شناخت و برخورد با عوامل فردی و سازمان نیافته	۲	مقابله با عوامل درون ساختاری منحل مدیریت تنگناهای امنیتی
		۱	شناخت جریان‌ها و گروه‌های ذینفع رقیب و مدیریت فعالیت‌های آن‌ها در ترکیه و جمهوری اسلامی ایران
یافتن جایگاه نقاط تنگناهای امنیتی سیاست امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و به صورت کلان در محیط امنیتی دو کشور و منطقه	پ.ک.ک	۵	اتخاذ شیوه‌های همکاری مشترک در مقابله با ترکیه
		۳	ارتباط‌گیری و تعامل تخصصی امنیتی با سران و انشعابات جریان پ.ک.ک و رفع تهدیدات آن علیه جمهوری اسلامی ایران
		۶	مقابله حداکثری سخت و نیمه سخت با عناصر اصلی گروه
	داعش / النصره / گروه‌های تروریستی در سوریه	۴	«وظیفه‌شناسی» و «موقعیت‌شناسی» در برخورد با طراحی‌های سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه
		۲	توجه به ضرورت مقابله با نقشه تضعیف و تجزیه منطقه و اشتراک‌گذاری مفاهیم و برداشت‌ها با ترکیه به منظور دستیابی به مفاهیم و نقاط قابل همکاری
		۲	ایجاد قابلیت مواجه شدن با عوامل سطح پایین گروهک در سوریه، لبنان و عراق
		۲	به صحنه آمدن تمام ظرفیت‌ها، نهادها، سازمان‌ها در شناخت طرح‌ها و نقشه‌های بلندمدت حریف در مدیریت و استفاده ابزاری از تروریسم
		۶	تثبیت و تقویت عوامل قدرت ساز و تأمین‌کننده منافع ملی در سوریه، لبنان و عراق
		۷	تلاش به منظور کسب منافع بیشتر اقتصادی و سیاسی در اقلیم در رقابت با ترکیه و وابسته‌سازی به جمهوری اسلامی ایران
	اقلیم کردستان	۳	مقابله جدی و مؤثر با استفاده از ظرفیت‌های مختلف ایران و ترکیه با طرح استقلال اقلیم
		۲	ارتقای ابزارهای اعمال نفوذ و نقش‌آفرینی در اقلیم
		۲	مقابله با تهاجم رسانه‌ای و نرم اقلیم علیه جمهوری اسلامی ایران و ایجاد بسترهای رسانه‌ای و عملیات روانی برای تأمین منافع ملی
		۷	حفظ و تقویت دولت سوریه (سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی)
سوریه	۳	ممانعت از نقش‌آفرینی و نفوذ ترکیه در داخل سوریه	
	۳	مدیریت نقش‌آفرینی منطقه‌ای ترکیه در مسیر گفتگو و حل بحران سوریه	

		۲	استفاده از ظرفیت ترکیه در مهار و مقابله با جریانات حامی عناصر مسلح سوریه در منطقه و غرب
عراق		۷	حفظ و تقویت دولت شیعی در عراق (سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی)
		۲	ممانعت از نقش آفرینی و کاهش سطح نفوذ ترکیه در داخل عراق
		۱	ممانعت از حضور و دخالت نظامی ترکیه در شمال عراق
روابط با آمریکا		۳	ایجاد مسیر مذاکره و تعامل مستمر با ترکیه در موضوع مدیریت رفتار منطقه‌ای آمریکا
		۵	ایجاد اهداف و منافع مشترک در مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا
		۴	تشدید اختلافات دوجانبه ترکیه و آمریکا
سپر دفاع موشکی ناتو		۲	ایجاد مسیر مذاکره و تعامل مستمر با ترکیه در موضوع استقرار موشک‌های ناتو در این کشور
رژیم صهیونیستی		۴	ایجاد مسیر مذاکره و تعامل مستمر با ترکیه در موضوع تقویت محور مقاومت (حمایت از حماس و آرمان فلسطین)
		۲	استفاده از ظرفیت کشورهای اسلامی (سازمان همکاری) در مسیر انزوای سیاسی رژیم صهیونیستی
۵	۱۹	۳۳۰	مجموع کل مضامین:

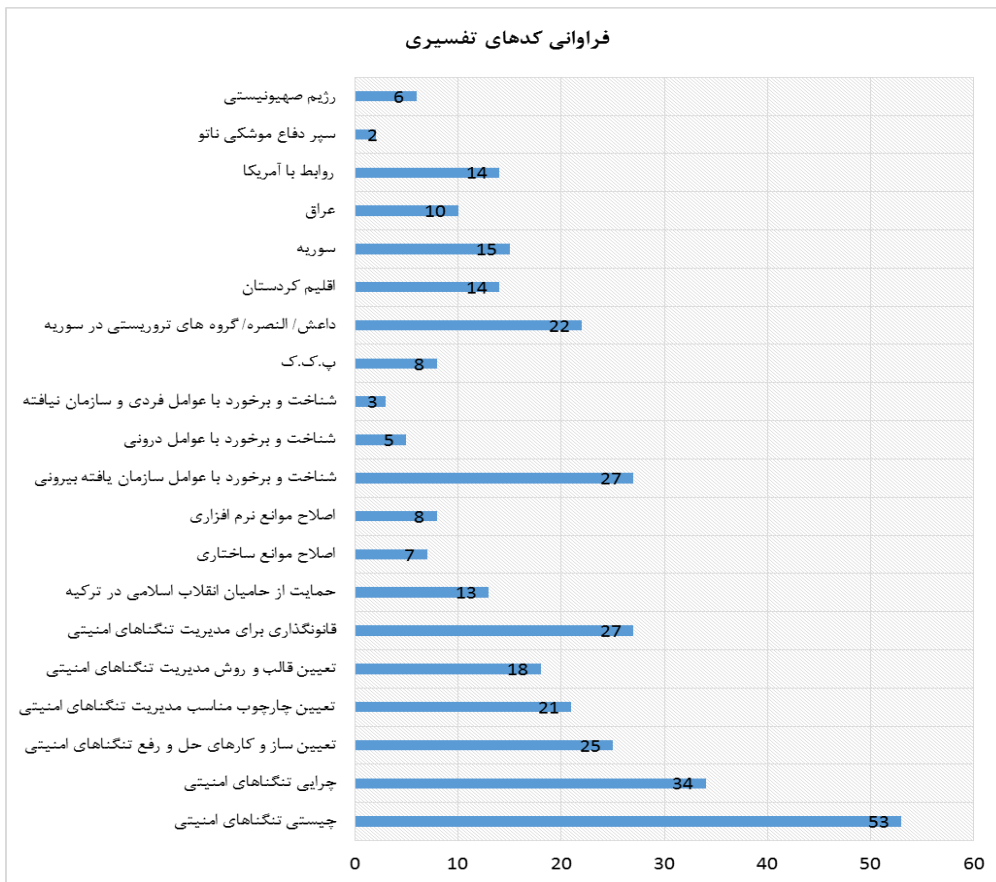
بنابراین تحلیل مجموعه ۱۲ مصاحبه عمیق که نتایج و یافته‌های آن به تکرار رسید نشان می‌دهد تمامی مضامین در قالب ۵ مضمون فراگیر و یکپارچه قابل جمع شدن است. مضامین جامع به ۱۹ مضمون تفسیری (سازمان دهنده) قابل تقسیم شدن است. نمودار تفکیکی مضامین فراگیر و تفسیر در شکل ذیل قابل مشاهده است:

نمودار شماره ۱: تحلیل مضمون مصاحبه‌ها



فهرست کردن مضامین توصیفی (پایه) به ترتیب تکرار نشان دهنده اهمیت آن از نظر جامعه خبرگی است و در مدیریت راهبردی موضوع تنگناهای امنیتی به لحاظ اولویت بایستی مدنظر قرار گیرد. این فهرست به شرح ذیل به ترتیب تکرار و تأکید مصاحبه‌شوندگان مرتب شده است:

نمودار شماره ۲: فراوانی کدهای تفسیری



همان‌گونه که خروجی نرم‌افزار *MaxQda* نشان داد مضامین در بخش‌های شناخت و تبیین تنگنای امنیتی و مدیریت موارد تنگناهای امنیتی دارای ارتباط پررنگ‌تر و تکرار بیشتر است. لذا تکیه اصلی در فرایند مدیریت راهبردی می‌بایست بر این دو بخش باشد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

خروجی نرم‌افزار شامل ۳۳۰ کد توصیفی پایه، ۱۹ کد تفسیری یا سازمان دهنده است که همگی در ۵ کد فراگیر یا یکپارچه دسته‌بندی شده‌اند. کلیدواژه‌های اصلی مضامین نشان می‌دهد که مصاحبه‌شوندگان ۵ مفهوم اصلی ذیل را مورد اشاره قرار داده‌اند:

- شناخت و تبیین تنگنای امنیتی،
 - یافتن جایگاه نقاط تنگناهای امنیتی در سیاست امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و به صورت کلان در محیط امنیتی دو کشور و منطقه،
 - مشخص نمودن نقاط اشتراک، افتراق و عوامل کلیدی در هر یک از تنگناهای امنیتی میان ایران و ترکیه،
 - احصاء دقیق منافع ملی جمهوری اسلامی در تنگناهای امنیتی با ترکیه،
 - تصمیم‌گیری و مشخص نمودن راهکارهای مدیریت تنگناهای امنیتی،
- اصلی‌ترین کدهای تفسیری نیز عبارتند از:
- کدهای تفسیری که برای مدیریت موارد تنگنای امنیتی توسط خبرگان احصاء شده عبارتند از: مسائل پ.ک.ک، تروریسم، اقلیم کردستان، سوریه، عراق، آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی.
 - کدهای تفسیری که مربوط به شناخت و تبیین امنیتی تنگناهای امنیتی ایران و ترکیه است شامل چستی تنگنای امنیتی و چرایی تنگنای امنیتی است.
 - کدهای تفسیری مرتبط با رصد و رفع عوامل ایجاد و تشدیدکننده تنگناهای امنیتی نیز شامل ۳ شاخه ذیل است: شناخت و برخورد با عوامل سازمان‌یافته بیرونی، شناخت و برخورد با عوامل درونی و شناخت و برخورد با عوامل فردی و سازمان نیافته.
 - کدهای تفسیری مرتبط با گفتمان‌سازی نسبت به حل تنگناهای امنیتی در مسیر تحقق منافع ملی نیز عبارتند از: تعیین سازوکارهای حل و رفع تنگناهای امنیتی، تعیین چارچوب مناسب مدیریت تنگناهای امنیتی و تعیین قالب و روش مدیریت تنگناهای امنیتی.

• کدهای تفسیری مرتبط با حمایت از مسیر مدیریت تنگناهای امنیتی نیز شامل ۴ شاخه است که عبارتند از: قانون‌گذاری برای مدیریت تنگناهای امنیتی، حمایت از حامیان انقلاب اسلامی در ترکیه، اصلاح موانع نرم‌افزاری و اصلاح موانع سخت‌افزاری.

نهایتاً بر این اساس ۳۳۰ کد توصیفی پایه تبدیل به شاخص‌هایی برای سنجش مهم‌ترین تنگناهای امنیتی ایران و ترکیه، مطلوبیت‌ها و اهداف سیاست خارجی ترکیه، بررسی روند آینده تنگناهای امنیتی و میزان احتمال وقوع موضوعات و رویدادها و اولویت‌های مدیریت راهبردی گردید.

بر اساس دریافت نظرات خبرگان که در جدول ۲ ذکر احصاء گردید، مدیریت راهبردی تنگناهای امنیتی با در نظر گرفتن احتمالات آینده و روندهایی که رو به بهبود و یا تیرگی دارند با طی فرایند ذیل می‌تواند منافع ملی را تأمین نماید:

الف- احصاء دقیق منافع ملی جمهوری اسلامی در تنگناهای امنیتی با ترکیه در شورای عالی امنیت ملی به عنوان نهاد عالی سیاست‌گذار امنیتی در کشور با مدنظر قرار دادن سیاست‌های کلان نظام (قانون اساسی، منویات مقام معظم رهبری و سایر اسناد بالادستی) و با اخذ مشورت از:

- شورای روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران
- وزارت امور خارجه
- ستاد کل نیروهای مسلح (با جمع نظرات ارتش و سپاه پاسداران)
- وزارت اطلاعات
- مجمع تشخیص مصلحت نظام
- مجلس شورای اسلامی (و کمیسیون‌های تابعه)

دستیابی به توافق اولیه در خصوص شکل و نحوه اجرای فرآیند برنامه‌ریزی (طرح‌ریزی) و مدیریت راهبردی در پارادایم‌های مختلف با توجه به این‌که فرآیند دستیابی به راهبرد به اندازه خود راهبرد دارای اهمیت است، بدون برخورداری از یک الگوی توالی منطقی از اقدامات به راحتی امکان‌پذیر نیست.

ب- مشخص نمودن نقاط اشتراک، افتراق و عوامل کلیدی در هر یک از تنگناهای امنیتی میان ایران و ترکیه با هدف جلوگیری از توسعه و گسترش تنگناهای امنیتی و تبدیل آن به منازعه و جنگ به‌وسیله بازدارندگی شامل: دفاع اعتمادسازی، شفافیت، کاهش یا افزایش نشانه‌های پرهزینه

و واکنش. عوامل موفقیت شامل سه دسته بحرانی، کلیدی و حیاتی است که عوامل بحرانی در وضعیت رقابتی است، عوامل کلیدی، عوامل منحصربه‌فرد و عوامل حیاتی مرتبط با سطح عالی موفقیت هستند. عوامل کلیدی موفقیت آن دسته محدوده‌هایی هستند که جمهوری اسلامی ایران برای رقابت موفقیت‌آمیز نیازمند تمرکز و توجه به آن‌ها است. شناسایی عوامل کلیدی موفقیت منجر به اطمینان از اعمال توجه لازم به زمینه‌های کسب موفقیت می‌شود. عوامل کلیدی موفقیت عواملی هستند که از یک طرف با اهداف کشور ارتباط داشته و برای تحقق اهداف ضروری‌اند و از طرف دیگر با راهبرد رقابتی متناسب می‌باشند و رعایت کردن و یا تلاش برای تحقق آن‌ها می‌تواند موفقیت را به دنبال داشته باشد. اصلی‌ترین تنگناهای امنیتی احصاء شده نیز عبارتند از:

- نحوه مواجهه با گروهک پ.ک.ک،
 - نحوه مقابله با داعش / النصره / گروه‌های تروریستی در سوریه،
 - نحوه مدیریت مسئله جدایی‌طلبی در اقلیم کردستان عراق،
 - نحوه مدیریت بحران سوریه،
 - چگونگی مدیریت فرایند سیاسی در عراق و حفظ و تثبیت امنیت در آن،
 - روابط ترکیه با آمریکا و چگونگی تنظیم آن در قبال ایران،
 - استقرار سپر دفاع موشکی ناتو و همکاری‌های ترکیه با ناتو،
 - نحوه و میزان روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی و فعالیت این رژیم در خاک ترکیه.
- ج- یافتن جایگاه نقاط تنگناهای امنیتی در سیاست امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و به صورت کلان در محیط امنیتی دو کشور و منطقه و تحلیل مختصات آن با متغیرهایی همچون میزان اولویت آن برای کشور، میزان اهمیت و ارتباط آن با مسائل امنیت ملی، هزینه و فواید آن در چارچوب منافع ملی و نهایتاً تأثیر آن بر دیگر سیاست‌های راهبردی کشور.
- د- تصمیم‌گیری و مشخص نمودن راهکارهای مدیریت تنگناهای امنیتی بر اساس الگوهای سیاست واقع‌گرایانه رقابتی، امنیتی مشارکتی و هژمونیک نسبت به هر موضوع.

نتیجه‌گیری:

تنگنای امنیت بیانگر شرایطی است که کشورهای مناطق بحرانی با آن روبرو می‌شوند و در چنین شرایطی اگر یکی از بازیگران به مازاد قدرت دست یابد، سایر بازیگران احساس ناامنی می‌کنند. به این ترتیب، احساس خطر و ناامنی دائمی در بین رهبران سیاسی و کارگزاران اجرایی کشورهای مختلف در غرب آسیا و به تبع میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه عامل اصلی بازتولید تنگنای امنیت محسوب می‌شود. فرایندی که همواره بازتولید گردیده و جلوه‌هایی از بحران، بی‌ثباتی، جنگ و تغییر در شکل‌بندی‌های امنیتی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. دو اصل خودیاری و عدم قطعیت غیرقابل حل بازیگران را در خصوص قدرتمند شدن و آمادگی افزون‌تر نظامی دیگران دچار شک و نگرانی می‌نماید و این تردید و نگرانی دوجانبه احتمال ایجاد یک چرخه عمل و عکس‌العمل را تشدید خواهد نمود که نتیجه آن نیز ناامنی بیشتر است. تنگنای امنیت در صورتی که شناخته نشود و به میزان کافی با دیپلماسی و مهارت سیاسی اداره نشود، موجب بروز منازعه حتی تا سطح درگیری مسلحانه خواهد گردید. اگر نظریه واقع‌گرایان در اینکه همه دولت‌ها در یک نظام بین‌المللی آنارشیک (اقتدارگریز) به سر می‌برند را بپذیریم، در این صورت دولت‌ها، هم می‌توانند تهدیدکننده امنیت باشند، هم پشتیبان آن باشند و این تناقض نظام دولت‌هاست که معمولاً به آن «تنگنای امنیت» می‌گویند. هر دولتی برای امنیت ملی کشورش هزینه‌های دفاعی و تجهیزات نظامی را افزایش می‌دهد و هرگونه تسلیح حتی به قصد دفاع می‌تواند در چشم سایر دولت‌ها تهدیدکننده به نظر برسد.

راهکارها:

بر اساس نتایج به دست آمده حاصل از تحلیل مضمون مصاحبه‌ها دو کشور ایران و ترکیه می‌توانند نقاط مشترک و تاریخی یکدیگر را شناسایی کنند و عوامل واگرا را مدیریت و باعث افزایش همگرایی شوند؛ زیرا عوامل همگرا باعث می‌شود دست کشورهای قدرتمند به منابع سرشار منطقه کوتاه شده و از نفوذ آن‌ها در منطقه جلوگیری شود که این عوامل می‌توانند موجب مدیریت تنگنای امنیتی میان دو کشور و جلوگیری از تبدیل آن به رقابت منفی و یا تنازع شود. در این راستا راهکارهای ذیل بر اساس فرایند پیشنهادی به منظور مدیریت تنگنای امنیتی در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه پیشنهاد می‌شود.

۱- همکاری اقتصادی با ترکیه:

مهم‌ترین دغدغه حزب حاکم در ترکیه در حال حاضر مدیریت بحران اقتصادی در داخل کشور و به‌ویژه مصونیت در برابر تکانه‌های سیاست خارجی و اعمال فشار آمریکاست. اردوغان مثل جریان کودتای نافرجام در دو سال گذشته، اکنون نیز کمک کشورهای مختلف به ترکیه برای جلوگیری از تشدید بحران اقتصادی، در چند ماه آینده را از یاد نخواهد برد. هر نوع همکاری اقتصادی با ترکیه می‌تواند مشوق اردوغان برای تداوم همکاری با ایران در موضوع تحریم‌ها باشد. در بخش گردشگری، فولاد و پتروشیمی می‌توان امتیازاتی برای ترکیه قائل شد در ازای آن‌ها خواهان همکاری آنکارا در دور زدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران شد.

۲- دیپلماسی عمومی با افکار عمومی و نخبگان ترکیه:

نزدیکی دو کشور از آنجا که فرهنگ دو کشور ایران و ترکیه به هم نزدیک است و هر دو تمدن وسیع و قدیمی دارند می‌تواند باعث همگرایی دو کشور شود و از بروز اختلافات جلوگیری کند. گسترش سطح تعاملات با افکار عمومی ترکیه و به‌ویژه نخبگان و فعالان احزاب ترکیه و اطلاع‌رسانی مستمر نسبت به اهداف مثبت و رویکردهای همگرایی و همکاری جمهوری اسلامی ایران نسبت به ترکیه می‌تواند نقش بسزایی در کاهش ذهنیت‌های منفی و در نتیجه فراهم شدن زمینه برای رفع و مدیریت تنگناهای امنیتی در آینده فراهم آورد.

۳- ایجاد ائتلافی قوی میان دولت‌های همفکر و مقابله با سیاست‌های مداخله‌گرانه قدرت‌های

فرامنطقه‌ای در چارچوب منطقه موازنه قوا:

مانع شدن در مسیر توسعه نفوذ آمریکا و کشورهای عضو ناتو در منطقه به واسطه تضاد اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های آن‌ها با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و استفاده آن‌ها از ظرفیت‌های ترکیه که موجب تشدید تنگناهای امنیتی می‌شود یک ضرورت است.

۴- پررنگ کردن بدعهدی آمریکا:

تمامی بازیگران منطقه‌ای و جهانی در پس‌زمینه ذهنشان عدم اطمینان به آمریکا به‌خصوص به ترامپ نقش بسته است؛ از این رو، ایران باید روی این موضوع عملیات روانی جدی‌ای را آغاز کند. ایران باید در این جنگ به ترکیه گوشزد کند که اگر به واسطه همراهی با آمریکا تمامی پل‌های پشت سرشان را خراب کنند، در آینده نزدیک، باید هزینه بالایی را بپردازند. پایه منافع آن‌ها منطقه است؛ اما رفتار و نگاه آمریکا به منطقه و دولت‌های آن برای همه دولت‌ها هزینه‌آفرین خواهد بود.

۵- استفاده از ظرفیت فضای مجازی:

نسل جوان در ترکیه و سایر کشورهای منطقه از فضای مجازی بسیار استفاده می‌کنند؛ این موضوع در اعتراضات ترکیه و نهایتاً کودتای نافرجام در این کشور به‌وضوح مشاهده شد؛ حال می‌توان از این ظرفیت بهره برد و روی افکار نسل جوان تأثیر گذاشت. باید این گفتمان را جا انداخت که رفتار و سیاست‌های برخی کشورهای عربی علیه جمهوری اسلامی ایران و حتی ترکیه موجب ایجاد سیاست‌های نظامی امنیتی در منطقه می‌شود که نتیجه‌ای جز افزایش ناامنی و بی‌ثباتی ندارد که آن‌هم تأثیر مستقیم بر سطح معاش و روندهای اقتصادی تمامی مردم منطقه خواهد داشت.

۶- تغییر گفتمان منطقه در قبال ایران:

درک تهدید از ایران در اذهان گروه‌های مختلف ترکیه به یک میزان نیست یا حداقل ایران در اولویت اول آن‌ها قرار ندارد. ایران باید روی این موضوع متمرکز شود و راهکار دقیقی به‌صورت مجزا برای هریک از این دولت‌ها بر پایه شناخت از حوزه منافع، ظرفیت‌های همکاری، نقاط حساسیت‌آفرین و غیره بنویسد. پاشنه آشیل ایران فضا سازی و رسانه است. جمهوری اسلامی در مفهوم سازی رسانه‌ای بسیار ضعیف عمل کرده است. باید برای این حوزه برنامه داشت و از اقدامات بی‌اثر و ضعیف به‌شدت اجتناب کرد؛ زیرا تأثیر کاملاً عکس بر افکار عمومی منطقه و جهان خواهد گذاشت.

۷- مقابله با ابزارها و سیاست‌های احتمالی غرب و آمریکا برای توقف روند مبارزه با

تروریسم در سوریه:

اگرچه آمریکا نشان داده التزام چندانی به باقیمانده مخالفان به اصطلاح میانه‌رو سوری ندارد و حتی درباره حمایت از نیروهای دموکراتیک سوریه نیز پیام‌های ضد و نقیضی فرستاده است؛ ولی به اتفاق کشورهای غربی و همراهی سازمان‌های بین‌المللی و با بهانه‌های حقوق بشری درصدد متوقف کردن عملیات ادلب است. در این میان باید با شناخت دقیق ابزارها و سیاست‌های احتمالی غرب و آمریکا برای توقف روند مبارزه با تروریسم، مانع از تحقق اهداف ایشان شد.

۸- حفظ جایگاه نظام سوریه به عنوان اصلی‌ترین عنصر در تحولات این کشور:

نظام سوریه یکی از ارکان حفظ جایگاه کنونی ایران در عرصه بحران این کشور است و هرگونه اقدامی برای کاهش نقش آن و حل‌وفصل مسائل این کشور در خارج، در بلندمدت منجر به تضعیف جایگاه ایران خواهد شد. به همین دلیل باید مطالبات نظام سوریه را به شکل ویژه در

نظر گرفت و رایزنی گسترده‌تری با آن‌ها کرد و کوشید جایگاه نظام سوریه به عنوان اصلی‌ترین عنصر در تحولات سوریه حفظ و بر آن تأکید شود.

۹- کاهش و محدودسازی هجمه‌های رسانه‌ای میان دو کشور:

با توجه به اینکه شخص رئیس‌جمهور ترکیه نسبت به هجمه‌ها و گزارشات منفی رسانه‌های کشورها علیه خود و خانواده‌اش بسیار حساس است و واکنش‌های منفی در قبال کشورهای مختلف در این خصوص داشته است، ضروری است رسانه‌های داخلی و رسمی کشور نسبت به کاهش هجمه‌های رسانه‌ای علیه ترکیه توجیه و کنترل شوند. این گزارشات قطعاً ارزش امنیتی نداشته و می‌تواند تأثیر سوء بر مناسبات و همکاری‌های دو کشور و پیگیری مسیر رفع سوء تفاهمات داشته باشد.

۱۰- گسترش تعاملات فرهنگی و دینی میان دو کشور:

افزایش تعاملات دینی و فرهنگی میان دو کشور با تکیه بر نهادهای غیردولتی که حساسیت کمتری نسبت به آن‌ها وجود دارد، مسیر مناسبی برای کاهش سطح ذهنی احساس تهدید نسبت به دو کشور است. با توجه به فراهم بودن بسترهای لازم برای تعاملات استان‌های مرزی در شمال غرب به لحاظ نزدیکی زبانی و فرهنگی با ترکیه از این ظرفیت به عنوان فرصت گفتمان‌سازی و اعتمادسازی می‌توان استفاده نمود تا مسیر دیپلماسی فرهنگی نیز هموارتر و اثرگذارتر شود.

۱۱- باز تنظیم مناسبات با همسایگان مشترک:

اختلافات اساسی ترکیه و ارمنستان موجب ایجاد نقش امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران و در مقابل اختلافات ایران و جمهوری آذربایجان موجب ایفای نقش امنیتی برای ترکیه شده است. گسترش و تحکیم روابط با کشورهای آذربایجان و ارمنستان برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی را در تنظیم تنگناهای امنیتی با ترکیه فراهم سازد.

منابع:

- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، *مردم، دولت و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لکزایی، نجف، (۱۳۸۹)، *ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)*، فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۴۹.
- عصاریان‌نژاد، حسین، (۱۳۸۴)، *قرآن و امنیت سیاسی*، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۶۵.
- ماندل، رابرت، (۱۳۷۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- قالیباف، محمدباقر؛ سیدمحمد یعقوبی؛ محمودی، ابوالقاسم، (۱۳۹۳)، *تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۰، شماره ۳.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ تویسرکانی، مجتبی، مرادی، سوسن، (۱۳۸۶)، *تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت مطالعه موردی: اوراسیای مرکزی در بازی بزرگ جدید*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۳، شماره ۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ شمس دولت‌آبادی، سیدمحمودرضا، (۱۳۸۸)، *علائق ژئوپلیتیک و راهبرد ملی، مطالعه موردی: ایران نسبت به آسیای مرکزی*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال ۱۰، شماره ۳۶.
- سیمر، رضا، (۱۳۸۵)، *ژئوپلیتیک و مذهب در نظام بین‌الملل: راهبردها و تحولات*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۳ و ۴.
- Lamb, Robert, Boyden (1984) *Competitive strategic management*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Ehlers, t.m.b & Lazenby K.J.A (2004). *Strategic management south Africa concepts and cases*. Pretoria: van schik.
- Samuel C. Certo J Paul Peter. (1990), *Strategic Management A focus on process*, Singapore.
- Hertz, John (1990). "Idealist Internationalism and the Security Dilemma", *World politics*, Vol. ۲, No. ۲

- Duffield, Mark (۲۰۱۰). *The Global Life-Chance Divide. Security Dialogue* vol. ۴۱, no. ۱, February
- Stockton, Nicholas (۱۹۹۸). 'In Defence of Humanitarianism', *Disasters* ۲۲(۴): ۳۵۲-۳۶۰.
- Macrae, Joanna & Nicholas Leader (۲۰۰۰). 'Shifting Sands: The Search for "Coherence" Between Political and Humanitarian Responses to Complex Emergencies', *Humanitarian Policy Group Report ۸*. London: Overseas Development Institute.
- Fox, Fionna (۱۹۹۹). *The Politicisation of Humanitarian Aid: A Discussion Paper for Caritas Europa – November (۱۹۹۹)*. London: CAFOD.
- Sida, Lewis (۲۰۰۵). *Challenges to Humanitarian Space: A Review of Humanitarian Issues Related to the UN Integrated Mission in Liberia and to the Relationship Between Humanitarian and Military Actors in Liberia. Liberia: Monitoring and Steering Group*.
- Bradbury, Mark (۱۹۹۸). 'Normalising the Crisis in Africa', *Disasters* ۲۲(۴): ۳۲۸-۳۳۸.
- Hynek, Nik and D. Chandler (۲۰۱۳). *No emancipatory alternative, no critical security studies, Critical Studies on Security, Vol. ۱, No. ۱*
- Jervis, Robert (۱۹۷۸). *Cooperation under the security dilemma. World politics. Volume ۳۰. Issue ۲*.
- Buzan, Barry and Waver, Ole (۲۰۰۳) *Regions and Powers The Structure of International Security*, New York: Cambridge University Press

